

**The Methodology of the Prophet Muḥammad's (PBUH) *
Elucidation of Qur'ānic Vocabulary in al-Tha'labī's Tafsīr ***

Hadi zeini malekabad^{}**

Hosein khakpour^{*}**

Habib Al-Rahman Rahmani^{**}**

Abstract

Prophetic exegetical narrations constitute one of the principal sources for understanding the Qur'an, as the Prophet Muḥammad (PBUH) played a central role in clarifying its meanings by explicating general rulings, resolving ambiguities, specifying general expressions, and qualifying absolute statements. Among the classical Sunni exegetical works preserving these narrations, *al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'ān* by Aḥmad ibn Muḥammad al-Tha'labī occupies a prominent position. This study investigates the Prophet's methodology for explaining Qur'anic vocabulary through the exegetical narrations recorded in this work. Adopting a descriptive-analytical design with a narratological approach, the study identifies and analyzes Prophetic reports concerning lexical clarification according to established methodological criteria. The findings show that lexical explanations constitute a substantial proportion of the Prophet's exegetical narrations and exceed other categories of Prophetic exegesis in frequency. The Prophet frequently clarified Qur'anic vocabulary by providing concrete exemplifications and, in many instances, interpreted the Qur'an through the Qur'an by elucidating lexical meanings with parallel verses. His explanations further demonstrate consistent reliance on Arabic linguistic conventions, sensitivity to the audience's level of comprehension, and the use of diverse semantic and contextual strategies. The findings suggest that the Prophet's lexical exegesis reflects a coherent and systematic interpretive methodology. They further indicate that an accurate understanding of Qur'anic vocabulary depends fundamentally on the Prophetic tradition, particularly as preserved in classical exegetical sources such as *al-Kashf wa al-Bayān*.

Keywords: *Al-Kashf wa al-Bayān*, Methodology, Prophet Muḥammad (PBUH), Prophetic exegetical narrations, *al-Tha'labī's tafsīr*.

* Received: 2025-11-24 Revised: 2026-05-02 Accepted: 2026-08-09

** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Law and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (The Corresponding Author) Email: zeini@theo.usb.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Shia History, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. Email: DR.khakpour@Neyshabur.ac.ir

**** Master's graduate in Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Law and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, and faculty member of the Ministry of Education of Afghanistan. Email: habibrahman1363@gmail.com



روش‌شناسی تبیین واژگان قرآن توسط رسول الله (ص) در تفسیر ثعلبی*

هادی زینی ملک‌آباد**

حسین خاکپور***

حبیب الرحمن رحمانی****

چکیده

تبیین واژگان قرآن کریم در سنت نبوی از مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری روش‌های تفسیری در سده‌های نخستین است. این پژوهش با هدف بررسی روش‌شناسی تبیین واژگان توسط پیامبر اکرم (ص) در روایات منقول در تفسیر ثعلبی انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با استخراج نظام‌مند روایات مشتمل بر تبیین واژگانی در *الکشف و البیان* گردآوری، طبقه‌بندی و سپس، تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تبیین نبوی واژگان در این تفسیر را می‌توان در قالب پنج شیوه عمده دسته‌بندی کرد: بیان ظاهری، توضیحی، توصیفی، مصداقی و تشبیهی. تحلیل این شیوه‌ها حاکی از آن است که تبیین نبوی غالباً از سطح صرف توضیح لغوی فراتر می‌رود و با کارکردی هدایتی و تربیتی، معنا را به عرصه عینیت اجتماعی و رفتاری منتقل می‌کند. به‌ویژه، در تبیین‌های مصداقی، ذکر نمونه‌های عینی را می‌توان روشی برای عینیت‌بخشی به مفاهیم انتزاعی و تسهیل درک مخاطبان عصر نزول دانست. همچنین، شواهد نشان می‌دهد که در برخی موارد، بهره‌گیری از آیات دیگر قرآن در توضیح یک واژه، زمینه‌های اولیه شکل‌گیری روش «تفسیر قرآن به قرآن» را در سنت نبوی نمایان می‌کند. بر این اساس، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که روایات نبوی منقول در تفسیر ثعلبی صرفاً نقش تکمیلی در فهم واژگان ندارند، بلکه بخشی از هسته روشی تفسیر را تشکیل می‌دهند و در تحلیل تاریخی تطور روش‌های تفسیری، جایگاهی بنیادین دارند.

کلیدواژه‌ها: پیامبر (ص)، روایات تفسیری، روش‌شناسی، تفسیر ثعلبی، الکشف و البیان

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل: zeini@theo.usb.ac.ir

*** دانشیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. ایمیل:

DR.khakpour@Neyshabur.ac.ir

**** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان و عضو هیات علمی وزارت معارف افغانستان. ایمیل: habibrahman1363@gmail.com



۱. مقدمه و بیان مسأله

قرآن کریم به‌عنوان بنیادی‌ترین متن هدایتی اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای در سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد و فهم صحیح آن بدون بهره‌گیری از سنت نبوی امکان‌پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص) بنا بر آیه «لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/۴۴)، مأمور تبیین آیات الهی بوده و با گفتار و رفتار خود احکام کلی، ابهامات، عمومات و مطلقات قرآن را روشن ساخته‌اند. از این‌رو، سنت نبوی مهم‌ترین منبع فهم قرآن پس از خود قرآن به‌شمار می‌رود.

در طول تاریخ، مفسران بسیاری کوشیده‌اند روایات تفسیری پیامبر (ص) را در آثار خود گردآورند. در میان این آثار، تفسیر اثری ثعلبی (الكشف والبيان) یکی از نخستین نمونه‌های برجسته تفسیر روایی است. ویژگی مهم تفسیر ثعلبی، گردآوری روایات تفسیری از طیف‌های مختلف بدون توجه به گرایش مذهبی راویان است؛ روی‌کردی که امکان مقایسه و تحلیل قوت و ضعف روایات را فراهم و تصویری جامع‌تر از میراث تبیینی صدر اسلام ارائه می‌کند.

همچنین آیه ۴۴ سوره نحل «لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» نشان می‌دهد که تبیین، بخشی از مأموریت رسالی پیامبر (ص) و در پیوند با ابلاغ وحی تعریف شده‌است؛ از این‌رو، سنت نبوی در چهارچوبی درون‌متنی، نقشی تبیینی در فهم قرآن می‌یابد. این تبیین تنها به توضیح لفظی محدود نیست، بلکه تفصیل مجمل، تعیین مصداق و عینیت بخشی به مفاهیم را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، مسأله پژوهش حاضر در دو سطح سامان یافته‌است: نخست، استخراج و تحلیل روش‌های تبیین واژگان در سنت نبوی؛ و دوم، بررسی نحوه بازتاب این روش‌ها در تفسیر احمد بن محمد ثعلبی. همچنین، تقدم سنت در این پژوهش به‌معنای نفی کارکرد عقل نیست، بلکه ناظر به

جایگاه تبیینی آن در تکمیل و توضیح دلالت‌های قرآنی است. بدین ترتیب، مقاله می‌کوشد نسبت میان مأموریت تبیینی پیامبر(ص)، صورت‌بندی روایی آن، و بازتاب آن در تفسیر ثعلبی را در چهارچوبی منسجم تحلیل کند.

اهمیت پرداختن به تبیین واژگان در این تفسیر از آن رو است که فهم مفردات، نخستین گام در تفسیر قرآن است و روایات نبوی در این حوزه از اعتبار و پذیرش عام برخوردارند. بر همین اساس، مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که روش پیامبر اکرم (ص) در تبیین واژگان قرآن چیست و تفسیر ثعلبی چگونه این روش‌ها و روایات را بازتاب داده‌است؟

۱-۱. پیشینه مسأله

برخی از مهمترین منابع ناظر پیشینه پژوهش چنین است:

- در منابع غیر فارسی زبان، مقاله « The Beginnings of Qur'anic Exegesis » از کلود ژیلیو^۱ (۱۹۹۹) است که با استفاده از منابع عربی کلاسیک، روش تبیینی ثعلبی را بررسی کرده و به نقش تعصبات مذهبی در انتخاب مصادیق و تحلیل واژگان پرداخته‌است.

- مقاله «نقد و معرفی کتاب: تفسیر ثعلبی در جدال شیعه و سنی» از ولید صالح و با ترجمه محمد حسن محمدی ظفر(۱۳۸۷)، در این پژوهش که تحلیلی بر تفسیر ثعلبی برای بازیابی جایگاه تاریخی آن است، نشان داده‌شده‌است که ثعلبی با گنجاندن برخی آموزه‌های شیعی در تفسیر خود، ناخواسته زمینه استناد شیعیان و واکنش طردآمیز ابن تیمیه را فراهم کرد و همین امر مانع از تثبیت جایگاه تفسیری او در سنت اهل سنت شد.

1. Claude Gilliot

- در مقاله «بررسی روایات اهل بیت (ع) در تفسیر ثعلبی» از سیده وحیده رحیمی و کبری باقری (۱۳۹۹)، نویسنده با روی‌کرد اعتبارسنجی راوی محور درخصوص راویان از اهل‌بیت در این تفسیر اظهار کرده است. اما درخصوص گونه‌شناسی روایات ساکت است.

- در مقاله «مناقب اهل بیت (ع) در روایات تفسیر ثعلبی» از ماشاءالله جشنی آرانی (۱۳۸۹)، نویسنده ضمن اشاره به مسلک شافعی مفسر بیان می‌کند که ثعلبی روایات فراوانی در فضایل اهل‌بیت (ع) نقل کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد ثعلبی روایات را در دو دسته ویژه اهل‌بیت و مشترک با دیگران گزارش کرده و در برخی موارد در هم‌سویی با مفسران امامیه به جایگاه والای اهل‌بیت توجه داشته است.

- در مقاله «روش‌شناسی الکشف‌واللبیان فی تفسیر القرآن» از حسن اصغریور (۱۳۹۳)، بیان شده است که ثعلبی، مفسر برجسته ایرانی سده‌های چهارم و پنجم، به سبب تبحر در علوم مختلف و اتکای گسترده بر روایات اهل‌بیت (ع)، تفسیر خود را به صورت اثری روایی و جامع سامان داده است. همین روی‌کرد منصفانه در نقل روایات اهل‌بیت (ع) موجب برخی انتقادات شد، اما جایگاه علمی او سبب گردید آثارش در میان مفسران پسینی به طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد.

- در مقاله «ثعلبی و تفسیر او الکشف‌واللبیان عن تفسیر القرآن» از مهرداد عباسی (۱۳۸۴)، نویسنده تحلیل کرده که ثعلبی، مفسر برجسته نیشابور در قرون چهارم و پنجم، با تفسیر «الکشف‌واللبیان» نقش مهمی در جریان تفسیری پس از خود داشته است. این پژوهش با مروری بر زندگی و آثار او، روش و منابع تفسیری‌اش و نیز جایگاه و ارزیابی عالمان از این تفسیر را به صورت اجمالی بررسی می‌کند.

- در مقاله «شکل‌گیری سنت تفسیر در اسلام: تفسیر ثعلبی/ولید صالح» از زرین تاج بهرامی (۱۳۸۸)، که به نوعی معرفی و نقد کتاب است، نویسنده به کتاب ولید صالح درخصوص تفسیر ثعلبی اشاره کرده و می‌گوید: صالح در کتاب خود، ابتدا زندگی، اندیشه و فضای فرهنگی عصر ثعلبی را ترسیم و سپس تفسیر بزرگ او «الکشف» را از نظر ساختار، منابع و روش بررسی می‌کند. در ادامه، تاریخچه‌ای کوتاه از تفسیر و تأثیرگذاری «الکشف» بر تفاسیر پسین ارائه می‌دهد و در فصل‌های اصلی نیز احوال ثعلبی، اهمیت نیشابور و آثار او مانند عرائس المجالس را معرفی می‌کند. مقاله ولید صالح به معرفی روش ثعلبی بسنده کرده و نقد محتوایی درباره جهت‌گیری مذهبی و محدودیت‌های تفسیری او ارائه نشده است.

هر چند مقالات نوشته شده به نوعی بیانگر جایگاه منحصر به فرد تفسیر ثعلبی در شکل‌گیری سنت تفسیر اثری است و پژوهش پیرامون این تفسیر را ضروری می‌داند، اما مستقیم با موضوع مورد پژوهش ارتباط ندارند. بنابراین، در مقاله پیش رو با نگاه به جایگاه مهم تفسیر ثعلبی، روایات تفسیری پیامبر(ص) مورد بررسی، گونه‌شناسی و تحلیل قرار گرفته است. به عبارت دیگر بررسی جامع این منابع نشان می‌دهد که روش ثعلبی ترکیبی از تبیین مصداقی، توضیحی و تشبیهی است و برای تحلیل دقیق واژگان قرآن، شناخت سنت نبوی و نقد منابع اولیه ضروری است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی روش پیامبر و بازتاب آن در تفسیر ثعلبی انجام شده است و خلأ نقد محتوایی پیشینه را جبران می‌کند.

۲. بیان ظاهری (تفسیری)

برخی از مفسران و اهل نظر را رأی بر این است که «تفسیر»، بیان ظاهری است؛ اعم از اینکه توضیح و شرح الفاظ ناآشنا باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸؛ زرکشی،

۱۳۷۶: ۱/ ۱۴-۱۵)، یا بیان مفاد استعمال کلام بر مبنای ادبیات زبان و اصول عقلایی محاوره (بابایی، ۱۳۸۱: ۲۳). با این حال، از منظر هرمنوتیک معاصر، این تعریف نیازمند بازخوانی است، زیرا هرمنوتیک امروز نه تنها بر فهم سطحی واژگان، بلکه بر تحلیل معنای ضمنی و مبتنی بر بافت واژه در متن تأکید دارد. به همین دلیل، صرف نقل تعریف‌های قدیمی بدون تحلیل مقایسه‌ای با رویکردهای معاصر نمی‌تواند جامعیت مفهومی لازم را فراهم کند. در هر صورت، در این پژوهش معنای سنتی از تفسیر مورد نظر است. روایات تبیین واژگان قرآن در این حوزه که توسط رسول الله (ص) بیان شده، گاه اجزای عقلی یک تصویر است و به دیگر سخن «مفهوم» را بیان می‌کند و زمانی یکی از افراد آن مفهوم را به تصویر می‌کشد، یعنی «مصدق». به عنوان نمونه در آیه «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام/۱۶۲)، مقصود ظاهری «نسک»، ذبح قربانی در روز عید الضحی است. رسول الله (ص) چنین می‌فرماید: «.. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا فاطمة قومي و اشهدی أضحيتك فإنه يغفر لك في أول قطرة من دمها كل ذنب عملته ثم قولي: إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي - إلى قوله - الْمُسْلِمِينَ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/ ۲۱۲). بر این اساس، بیان ظاهری رسول الله گونه‌های مختلفی دارد که به قرار زیر است:

۲-۱. توضیح واژگان بر اساس زبان و ادبیات عرب

در این نوع از تفسیر، رسول الله (ص) معنای ظاهری یک واژه را با استفاده از کاربرد آن در استعمال عرب چه با معنای لغوی آن در گنجینه لغات مسلمانان و چه با حمل و توضیح آن بر اساس قواعد نحوی و دستور زبان، بیان و تفسیر می‌کردند. در زبان و ادبیات عرب به سبب حساسیت ویژه‌ای که نقش کلمات دارند، اصول و قواعد حاکم بر زبان و ادبیات بسیار محل توجه قرار می‌گیرد و فهم صحیح از نقش کلمات به بیان معنای مورد نظر گوینده کمک شایانی می‌کند.

در ذیل آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان/۸)»، به بیان معانی ظاهری و لغوی کلمات فقیر، یتیم و اسیر در روایتی از رسول الله (ص) اشاره شده است: «عن أبي سعيد الخدري عن النبي (عليه السلام) وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا. قال: «فقيرا» وَيَتِيمًا قال: «لا أب له» وَأَسِيرًا قال: «المملوك و المسجون» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/ ۹۶). در این روایت رسول الله (ص) لغات مورد نظر را با توجه به کاربرد و استفاده‌ای که در زبان و ادبیات عرب داشته‌اند، معنا کرده‌اند.

از رسول خدا (ص)، در بیان معنای واژه «صور» در آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ (زمر/۶۸)» نقل شده است: «عن عبد الله بن عمرو قال: سألت رسول الله صلى الله عليه و سلم عن الصور. فقال: قرن ينفخ فيه» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/ ۲۵۴)، عبدالله ابن عمر می‌گوید: از رسول الله (ص) در مورد صور سوال نمودم. رسول الله فرمود: شاخی که در آن دمیده می‌شود. در این روایت رسول الله (ص) با بیان معنای ظاهری واژه صور، ایشان ابهامی که به واسطه این واژه بر کل عبارت سایه انداخته است را رفع کردند.

۲-۲. تبیین براساس کاربرد متکلم

گاه در تبیین یک واژه، از استعمال متکلم استفاده می‌شود. این شیوه در تبیین واژگان، توضیح واژه‌ای است براساس کاربرد همان واژه در جایی دیگر که به وسیله آن لفظ و محتوا کشف می‌شود.

شخصی از رسول الله (ص) درباره واژه «ظلم» در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲) پرسید و ایشان به کمک آیه «يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/۱۳) به تفسیر این واژه پرداختند: «قال عبدالله بن مسعود: لما نزلت هذه الآية طبق ذلك على أصحاب النبي صلى الله

علیه و سلم و قالوا: إنا لم نظلم أنفسه، فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «ليس هو كما تظنون إنما هو كما قال لقمان لابنه» يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (إنما هو الشرك). (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۱۶۶).

واژه «ظلم» در این آیه به صورت مطلق بیان شده است، به همین دلیل گستره مصادیق و معنای آن بسیار وسیع تر است و کوچک‌ترین خطا و گناهی را شامل می‌شود و این موجب نگرانی و مضطرب شدن برخی از افراد شد که با مراجعه به رسول گرامی اسلام و تفسیری که ایشان با توجه به آیه ۱۳ لقمان بیان نمودند، این ترس و اضطراب برطرف شد. **همچنین**، این استشهاد نمونه‌ای از تفسیر قرآن به قرآن است، روشی که پیامبر (ص) در مواردی به کار می‌برد که واژه دارای ابهام یا دامنه وسیع معنایی بود یا سطح مخاطب نیازمند توضیحی روشن و ملموس بود. استفاده از این روش در این مورد، هم به رفع ابهام معنایی واژه کمک کرد و هم اضطراب مخاطبان را کاهش داد و نشان می‌دهد که انتخاب روش تبیین در سنت نبوی تابع هم طبیعت واژه و هم شرایط مخاطب بوده است.

ثعلبی در ذیل آیه «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» (انعام/۵۹)، می‌آورد: «عبد الله بن عمر از نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) نقل می‌کند: «مَفَاتِحُ الْغَيْبِ خمس ... إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۱۵۴)؛ همانا آگاهی از زمان برپایی قیامت تنها نزد خدا است و او است که باران را فرو می‌فرستد و [زمان، مکان و مقدار] آن را می‌داند و نیز به جنین‌هایی که در رحم‌ها هستند آگاه است و هیچ کس نمی‌داند فردا چه دستاوردی خواهد داشت و هیچ کس در نمی‌یابد که در چه سرزمینی خواهد مرد. به راستی خداوند دانا و خبیر است.

در این روایت رسول الله (ص)، مفهوم واژه «مفتاح غیب» را با بیان مصادیق آن، در آیه ۳۴ سوره مبارکه لقمان، تبیین نموده‌اند.

۳. بیان مصداقی

بیان مصداقی یا «جری و تطبیق» گونه‌ای از تفسیر است که در آن، معصوم «واژه» یا آیه‌ای را با بیان مصداق آن، تبیین می‌کنند. «جری» به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه برای استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند (میرباقری، ۱۴۲۲: ۲۳۶؛ شاکر، ۱۴۱۸: ۱۴۹؛ خاکپور، ۱۳۹۰: ۵۸)، بیان مصداقی دارای انواعی است که با تتبع در روایات تفسیری رسول گرامی اسلام برای هر یک از آن‌ها مثالی آمده‌است.

۳-۱. بیان مصداق خاص

نظر مشهور بر شمولیت آیه است: «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» (زرکشی، ۱۳۹۱: ۳۲/۱؛ زرقانی، (بی‌تا): ۱۱۸/۱-۱۲۲)، اما در برخی از موارد شاهد یک مصداق اکمل هستیم.

ابن عباس از رسول الله (ص) نقل می‌کند: وقتی آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳) نازل شد، برخی افراد با مراجعه به ایشان سوال کردند که «یا رسول الله من هؤلاء الذين أمرنا الله بمودتهم؟ قال: علي و فاطمة و ابناهما»؛ قریبی چه کسانی هستند که خداوند اجر و مزد رسالت پیامبرش را نیکی به آن‌ها قرار داده‌است، ایشان فرمودند: حضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و پسران آن‌ها (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۰/۸). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که این اقدام پیامبر تخصیص شمول آیه نیست، بلکه صرفاً بیان مصداق اکمل برای رفع ابهام بوده‌است.

به عبارت دیگر، ذکر حضرات علی و فاطمه و فرزندان‌شان به معنای محدود کردن شمول آیه نیست و راه برای دیگر مصادیق عمومی همچنان باز است. این نکته با دیدگاه مخالفان اهل سنت نیز مقایسه شد تا تأکید شود که پیامبر در این موارد، ابهام معنایی واژه «قُربی» را برای مخاطبان برطرف کرده و شمول کلی آیه را نقض نکرده‌اند.

در روایت مربوط به آیه مودت قریبی، پیامبر(ص) مصداق خاصی ارائه می‌دهد تا معنای عمومی محبت الهی و مسئولیت اجتماعی را روشن سازد. در این راستا، دیدگاه مخالفان مبنی بر محدودیت تفسیر به ظاهر لفظ، با بررسی سند و مقایسه با سنت پیامبر نقد می‌شود. تحلیل پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این روش پیامبر، تبیینی است همزمان مصداقی و اصولی و تعمیم مفهومی آیه بدون توجه به این مصداق، ناقص خواهد بود.

در تبیین واژه «ناقور» روایت شده «عن ابن عباس فی قوله سبحانه: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ قَالَ: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كَيْفَ أَنْعَمُ وَصَاحِبُ الصُّورِ قَدِ انْقَمَ الْقُرْنُ وَحَتَّى جَبْهَتُهُ يَسْتَمِعُ مَتَى يُؤْمَرُ قَالُوا كَيْفَ نَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُولُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۱/۱۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: چگونه مشغول متنعم شدن از نعمت‌های الهی شوم و از زندگی لذت ببرم در حالی که قیامت نزدیک است و اسرافیل علیه السلام شیپور برپایی قیامت را در دست گرفته آن را پیش روی خود گرفته و منتظر فرمان الهی است تا فرمان دهند در صور بدمند. رسول خدا می‌فرمایند: بر خدا توکل می‌کنم، زیرا خدا ما را کفایت می‌کند و بهترین وکیل است. در این روایت رسول الله صلی الله علیه و آله با بیان مصداقی به تبیین مفهوم آیه پرداخته‌اند.

۳-۲. بیان مصداق عام

گاهی در آیات قرآن کریم واژگانی به کار رفته‌اند که از نظر گستره معنایی شامل مصادیق متعدد هستند و برای فهم دقیق آن‌ها، رجوع به احادیث رسول الله (ص) ضروری است. مصادیق عام این واژگان، مواردی هستند که نماینده کل مجموعه مصادیق ممکن‌اند و ویژگی مثبت آن‌ها این است که به عنوان نمونه‌ای قابل تعمیم از مفهوم کلی واژه عمل می‌کنند، بدون آنکه به مصداق خاص، انحصاری یا اکمل محدود شوند (دهقان، ۱۳۹۴: ۸۱؛ خاکپور، ۱۳۹۰: ۵۹). در این شیوه، رسول الله (ص) ممکن است چند نمونه از مصادیق واژه را ذکر کنند تا گستره مفهومی واژه روشن شود و فهم مخاطب تسهیل شود. به عنوان نمونه، واژه «وانحر» در سوره کوثر شامل عمل قربانی است و رسول الله (ص) در روایات متعدد نمونه‌های عملی متعددی را برای این واژه بیان کرده‌اند، از جمله بالا بردن دست هنگام تکبیر و ذبح قربانی (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۳/۱۰). بنابراین این مثال‌ها نه تنها یک مصداق خاص هستند، بلکه نماینده مفهوم کلی واژه‌اند و نشان می‌دهند که ذکر مصادیق مختلف به تبیین معنای عام واژه کمک می‌کند.

از رسول الله (ص) درباره واژه «البشری» در آیه «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» (یونس/۶۴) پرسیدند. قال: «هِيَ رُؤْيَا الْمُسْلِمِ يَرَاهَا، أَوْ تُرَىٰ لَهُ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۳۸/۵)، این رؤیایی است که مسلمان می‌بیند و یا برایش دیده می‌شود.

تبیین مصداق واژه‌های «ظالم لنفسه»، «مقتصد» و «سابق بالخیرات» در آیه «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ... ۳۲/فاطر»، «قال الله عزوجل: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ، فَأَمَّا الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْخَيْرَاتِ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَأَمَّا الَّذِينَ اقْتَصَدُوا فَأُولَئِكَ يَحْسَبُونَ حِسَابًا يَسِيرًا، وَ

أما الذين ظلموا أنفسهم فأولئك الذين يحسبون في طول المحشر ثم هم الذين تلقاهم الله برحمته فهم الذين يقولون: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ... إلى قوله: لُغُوبٌ (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۸/۸). آنانی که در انجام کارهای خیر سبقت می‌کنند، گروهی هستند که بدون حساب در جنت داخل می‌شوند، میانه‌روها به آسانی حساب‌رسی می‌شوند و آنانی که ظلم کردند بر نفس‌های خود، گروهی هستند حساب و کتاب می‌شوند در طول محشر. سپس، آن‌ها با رحمت و لطف الهی، خداوند را ملاقات می‌کنند.

۳-۳. مصداق باطنی

گاهی رسول الله (ص) در تبیین واژگان قرآنی، علاوه بر توضیح معنای ظاهری و راجح آیه، به بیان معنای باطنی یا مقصود اصلی کلام خداوند می‌پرداختند، به گونه‌ای که فهم سطحی آیه برای مخاطب تکمیل شود (میرباقری، ۱۴۲۲: ۲۳۶). معنای باطنی، در اصطلاح مفسران عرفانی، آن مفهومی است که ورای ظاهر لفظ قرار دارد و نشان‌دهنده پیام و مقصود حقیقی خداوند از آیه است. به عنوان نمونه، در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)، رسول الله (ص) معنای باطنی «روح» را به عنوان سربازان الهی بیان کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۱۹). در مقابل، برخی روایت‌های تفسیری پسین، مانند روایت سفیان ثوری درباره آیه «مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» (رحمان/ ۲۲)، تبیین مصادیق باطنی را بر اساس برداشت‌های خود از ظاهر و باطنی آیه ارائه داده‌اند و مستقیماً از پیامبر نقل نشده‌اند؛ برای مثال وی، با اشاره به مفاهیم باطنی، حضرات فاطمه، علی، حسن و حسین را به عنوان مصادیق بیان کرده‌است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۸۲/۹). بنابراین لازم است تمایز بیان باطنی مستقیم از پیامبر و تأویل پسینی توسط مفسران رعایت شود تا برداشت‌های متفاوت از آیه روشن شود.

با چنین تفکیکی، بیان ظاهری و بیان باطنی یکدیگر را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بیان ظاهری مبنای فهم اولیه مخاطب است و بیان باطنی، عمق و گستره مفهومی آیه را نشان می‌دهد و نقش مکمل دارد.

روایت نبوی دربارهٔ حمل «روح به سربازان الهی» صرفاً به بیان ظاهری عمل خداوند اشاره دارد، اما از منظر فلسفی و تفسیری، نشان‌دهندهٔ نقش هدایت و تقویت معنوی انسان‌ها است. این مصداق باطنی، فراتر از تفسیر لفظی، بیانگر این است که پیامبر (ص) با انتخاب مصداقی مشخص، قصد انتقال معنای الهی نفوذ در جان انسان‌ها و تقویت ایمان را دارد. نقد فلسفی این روایت نشان می‌دهد که فهم صحیح واژگان بدون توجه به سنت نبوی ناقص است؛ زیرا سنت، ابزاری برای درک معرفت‌شناختی واژه‌ها است و عقل تنها بدون سنت توانایی تبیین دقیق مصادیق باطنی را ندارد.

۴. بیان توصیفی

مراد از بیان توصیفی، ذکر چگونگی شیء (ذکر اوصاف و خصوصیات شیء) است. در این شیوه رسول الله (ص) به شرح و توصیف یک واژه پرداخته‌اند و با وصف کلمات و واژگان قرآنی مراد الهی را روشن نموده‌اند. این روش را می‌توان در جای‌جای قرآن نیز مشاهده کرد، آنجا که خداوند به ذکر اوصاف کوثر و غیره می‌پردازد.

از رسول الله (ص) پیرامون واژهٔ کوثر پرسیدند. رسول الله (ص) چنین توصیف و توضیح فرمود: نه‌ری است که خدا آن را به من وعده داده و دارای خیر فراوان است، آن حوض من است، روز قیامت امت من بر آن وارد می‌شوند، ظروف آن عدد ستارگان آسمان است، پس جماعتی از ایشان مضطرب و پریشان و سرنگون به آتش می‌شوند، پس می‌گویم پروردگار من ایشان از امت من هستند، پس گفته می‌شود تو

نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه کردند. در روایتی دیگر فرمود: نه‌ری است در بهشت که از شیر سفیدتر و استقامتش از قدح شدیدتر باشد، در دو طرف آن قبه‌هایی از در و یاقوت است وارد می‌شود بر آن پرندگان سبزی که دارای گردن‌های مثل گردن‌های کبک است، گفتند یا رسول‌الله این پرندگان چه اندازه خوب هستند، فرمود، آیا به شما خبر ندهم به بهتر از آن؟ گفتند چرا، فرمود کسی که پرندگان مزبور را بخورد و آب کوثر بنوشد و رستگار به رضوان خدا شود، از آن بهتر است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۸/۱۰).

رسول‌الله (ص) در ذیل آیه «وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵)، اهل بهشت را توصیف کرد: «قال النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ لَا يَتَفَلَوْنَ وَ لَا يَتَغَوَّطُونَ وَ لَا يَبُولُونَ وَ لَا يَتِمَخَطُونَ». قيل: فما بال الطعام؟ قال: «جشأ و رشح تجري من أعرافهم كريح المسك يلهمون التسبيح و التهليل كما يلهمون النفس» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۷۱/۱). رسول‌الله (ص) فرمود: «اهل بهشت می‌خورند و می‌نوشند و بزاقي دهن خود را نمی‌اندازند و نه بول و رفع حاجت می‌کنند و نه بینی خود را می‌افشانند». گفته شد: پس غذایی که می‌خورند چه می‌شود؟ گفت: «آروغ می‌کشند و عرق جاری می‌شود از اعراف‌شان؛ مانند بوی مشک تسبیح و تهلیل جای نفس کشیدشان است». در این روایت رسول‌الله (ص) خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها اهل بهشت را توصیف کرده‌است.

رسول‌الله (ص) مسکین قانع که از کسی سوال نمی‌کند را چنین توصیف کرده «ليس المسكين الذي ترده اللقمة و اللقمتان و التمرة و التمرتان، إِنَّمَا الْمَسْكِينُ الْمُتَعَفِّفُ». اقرءوا إِن شِئْتُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۷۸/۲). مسکین کسی است

که از ظاهرش نمی‌توان فقر او را تشخیص دهید، کسی که چیزی ندارد اما ظاهر او پر از عفت و حیاء است و هیچ گاه در خواست نمی‌کند.

۵. بیان توضیحی

گاهی در بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله، ذیل آیات، توضیح واژگان قرآنی ارائه شده‌است تا مخاطب به فهم دقیق مقصود خداوند دست یابد. لازم است تمایز بین تفسیر مفردات و تفسیر جمله یا عبارت روشن شود:

عایشه در تفسیر آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» (طور/۴۹)، از رسول الله نقل می‌کند: «أن رسول الله صَلَّى الله عليه و سلم قال في ركعتي الفجر «هما خير من الدنيا جميعا» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۹)؛ رسول الله (ص) می‌فرماید: دو رکعت نماز صبح از تمام دنیا بهتر است.

از رسول الله (ص) ذیل آیه «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ...» (بقره/۲۰۳). روایتی نقل شده‌است: «عن جعفر بن محمد: أن رسول الله صَلَّى الله عليه و سلم بعث مناديا فنَادَى في أَيَّامِ التَّشْرِيقِ: إِنَّهَا أَيَّامُ أَكْلِ وَ شَرَبٍ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۱۷/۲). رسول الله (ص) صدا کننده را فرستاد تا صدا بزند: امروز روز خوردن و نوشیدن است. در این روایت رسول الله (ص) روزهایی را مشخص کرد، منظور رسول الله (ص) از ایام معدودات، ایام تشریق بوده‌است.

رسول الله (ص) در مورد اندازه واژه «حقب» آیه «لَا يَبِينُ فِيهَا أَحْقَاباً» (نبأ/۲۳) چنین توضیح فرمایند: «عن [ابن عمر] عن النبي صَلَّى الله عليه و سلم قال: «و الله لا يخرج من النار من دخلها حتى يكونوا فيها أحقابا، و الحقب بضع و ثمانين سنة، و السنة ثلاثمائة و ستون و يوما، كل يوم ألف سنة مما تعدون، فلا يتكلم أحد على أن

يُخْرِجُ مِنَ النَّارِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۱۶). رسول خدا (ص) فرمود: کسی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی‌گردد، مگر این که چند «حقب» در آن توقف کند. مراد از «حقب» هشتاد و اندی سال است و سال ۳۶۰ روز است. هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می‌شمارید. بنابراین، کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد.

از رسول الله در مورد ویژگی‌های ملکه‌ی سباء ذیل «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ» (سبأ: ۱۵) پرسیدند؛ ایشان اینگونه او را وصف نمودند: «روی أبو سبرة النخعي عن فروة بن مسيك الغطيفي قال: قال رجل: يا رسول الله، أخبرني عن سبأ ما كان؛ رجلاً أو امرأة، أو أرضاً أو جبلاً أو وادياً؟ فقال صلى الله عليه وسلم: «ليست بأرض ولا امرأة و لكنه كان رجلاً من العرب ولد له عشرة من الولد، فتيامن منهم ستة و تشاء أربعة؛ فأما الذين تيامنوا، فكندة و الأشعريون و الأزد و مذحج و أنمار و حمير». فقال رجل: و ما أنمار؟ قال: «الذين منهم خثعم و بجيلة، و أما الذين تشاءموا فعاملة و جذام و لخم و غسان» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۸۳). ابن مسيك الغطيفي نقل می‌کند که فردی در مورد واژه‌ی «سبأ» پرسید که چیست؟ [نام] مرد، زن، زمین، کوه و یا وادی‌ای است؟ پیامبر (ص) فرمودند، [سبأ] نه زمینی است و نه زن بلکه مردی از عرب است که ۱۰ فرزند آورد. شش فرزند به یمن و چهار فرزند به شام رفتند؛ آنان که به یمن رفتند کنده، اشعریان، ازد، مذحج، أنمار و حمیر هستند، مرد پرسید أنمار چیست؟ حضرت فرمود افرادی از قبیله خثعم و بجيلة از آن هستند؛ اما کسانی که به شام رفتند، عامله، جذام، لخم و غسان هستند.

رسول الله (ص) در تفسیر آیه‌ی «قد افلح المؤمنون. الذين هم في صلاتهم خاشعون» (مؤمنون: ۲۰۱) خشوع واقعی را چنین تبیین می‌نماید: «و أبصر النبي صلى الله عليه و

سَلَّمَ رَجُلًا يَعْبَثُ بِلَحِيَّتِهِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: لَوْ خَشَعَ قَلْبُ هَذَا خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۸/۷) رسول الله (ص) مردی را دید در نماز با ریشش بازی می کرد. رسول الله (ص) فرمود: اگر در قلبت خشوع کنی اعضاء و جوارحت خشوع می کند. رسول الله (ص) در روایت بالا ابتداء به توصیف خشوع اشاره نموده و جایگاه آن را مشخص می کند. ذیل آیهی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۲۰۸) گفته شده، اسلام مانند قلعه و مکانی است که همگان باید به طور کامل در آن داخل شوند (تشبیه امری غیر محسوس به امور حسی و قابل مشاهده)، شرط دخول کامل هم با چنگ زدن به همه امورات این قلعه میسر خواهد بود که رسول الله (ص) در توضیح اسلام چنین می فرماید: «عن أنس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مثل الإسلام كمثل الشجرة الثابتة الإيمان بالله أصلها، الصلوات الخمس جذوعها، و صيام شهر رمضان لحاءها، و الحج و العمرة جناها، و الوضوء و غسل الجنابة شربها، و بر الوالدين و صلة الرحم غصونها، و الكف عما حرم الله ورقها، و الأعمال الصالحة ثمرها، و ذكر الله تعالى عروقتها» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۲۷/۲) یعنی مثل اسلام، مثل درخت استواری است که ریشه اش ایمان به خداوند، تنه آن نمازهای پنجگانه، روزه ماه رمضان پوست آن درخت، حج و عمره بار آن، وضو و غسل آب (آبخور) آن، نیکی به والدین شاخه های آن، باز ایستادن از آن چه خدا حرام کرده برگ آن و عمل صالح میوه آن درخت و ذکر خدای تعالی آوندهای آن درخت است. در این روایت رسول الله (ص) پیکره ی اسلام را تبیین نموده است.

۶. بیان ناظر تشبیهی و تمثیلی

تشبیه در لغت به معنای «مانند کردن» است و گفته می شود: این شبه این و مانند آن است. در اصطلاح بلاغی، تشبیه بر قرار کردن همانندی میان دو امر است، به گونه ای

که اشتراک آن دو در یک صفت یا بیشتر، با اداتی خاص، برای هدفی که گوینده منظور کرده، بیان می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۲). تشبیه و تمثیل در بلاغت جایگاه ویژه‌ای دارند؛ پنهان را به آشکار می‌آورند و مفاهیم بلند و پیچیده را قابل فهم می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۲).

تمثیل از نظر علمای بلاغت «انتزاع محسوس یا نامحسوس از یک مفهوم است که نوعی تشبیه به شمار می‌رود» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۲؛ خاکپور، ۱۳۹۰: ۶۳). هدف از تمثیل، بیان مطالب دشوار با شفاف‌ترین عبارات و دور کردن آن‌ها از ابهام است (ابن ناقی، [بی‌تا]: ۲۰۵).

در تفسیر واژه‌های قرآن، رسول الله (ص) گاه از تشبیه برای روشن کردن معنای واژه بهره می‌بردند. به عنوان نمونه، ذیل آیه «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس: ۲۵)، رسول الله (ص) در قالب یک مثال خواب و تشبیه پادشاه و خانه و مادبه، معنی «دارالسلام» را برای مومنان توضیح داد، به گونه‌ای که ورود به دارالسلام با ورود به بهشت موعود متناظر شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۲۸/۵).

همچنین ذیل آیه «إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران: ۸)، رسول الله (ص) قلب انسان را به گنجشک تشبیه کردند تا دگرگونی و تحول دائمی آن را نشان دهند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۷/۳). این مثال‌ها صرفاً به تبیین واژه یا مفهوم اصلی آیه مربوط می‌شوند و تمثیل اخلاقی یا اجتماعی مستقل در این بخش آورده نشده است تا از همپوشانی با بخش‌های دیگر جلوگیری شود.

در نتیجه، تشبیه و تمثیل در کلام رسول الله (ص) ابزارهایی برای روشن‌سازی معنای واژه‌ها و مفاهیم قرآنی بوده و باید با دقت از تمثیل‌های اخلاقی-اجتماعی که کاربرد مستقیمی در توضیح واژه ندارند، تفکیک شوند.

در مورد آیه «وَلْتَكُنْ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) از پیامبر (ص) روایت شده است: «الشعبي عن النعمان بن بشير قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مثل الفاسق في القوم كمثل قوم ركبوا سفينة فافتسموها فصار لكل إنسان منها نصيب فأخذ رجل منهم فأسا فجعل ينقر في موضعه، و قال له أصحابه: أى شيء تصنع، تريد أن تغرق و تغرقنا؟ قال: هو مكاني، فإن أخذوا على يده نجوا و نجا و إن تركوه غرق و غرقوا» (ثعلبي، ۱۴۲۲: ۱۲۳/۳). رسول الله (ص) فرمود: «مثال فاسق در قوم این است که قومی در کشتی شوند و آن (کشتی) را بین خود تقسیم نمایند و به هر کدام قسمت و حصه‌ای برسد، پس شخص فاسق قسمت و سهم خود را می‌گیرد و در سهم خود شروع به ایجاد نمودن سوراخ نماید. هم سفرهای او می‌گویند چه کاری انجام می‌دهی، می‌خواستی ما را غرق کنی؟ پاسخ می‌دهد: این ملک مال من است، [رسول الله (ص) ادامه می‌دهد] اگر دست او را بگیرند هم خودشان نجات می‌یابند و هم او، یعنی اگر مانع کار او شوند، اما اگر مانع کار او نشوند همگی غرق می‌گردند. از روایت بالا چنین برداشت می‌شود که کار فاسق گر چه ممکن است در ظاهر شخصی و مربوط بر خودش می‌باشد؛ اما ضرر آن متوجه جامعه است و به همگان آسیب می‌زند و جامعه را بسوی تباهی و هلاکت می‌کشانند.

در تفسیر آیهی «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ» (ابراهیم: ۴۷-۴۸) از رسول الله (ص) روایات‌های زیادی نقل شده است، از جمله: «و روی سهل بن سعید عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «شَرُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ بَيْضَاءَ عَفْرَاءَ كَقُرْصَةِ النَّقِيِّ لَيْسَ فِيهَا عِلْمٌ لِأَحَدٍ» (ثعلبي، ۱۴۲۲: ۳۲۸/۵) رسول الله (ص) فرمود: «مردم روز قیامت، روی زمینی سفید رنگ گندمگون چون قرص تمیز و پاک، محشور می‌شوند و هیچ‌کس نشانه‌ای روی آن زمین ندارد.

درمورد تفسیر آیه ذیل «وَإِنْ يَسْتَعْجِلُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ» (کهف: ۲۹) از رسول الله (ص) حدیثی روایت شده است. «عن أبي سعيد عن النبي صَلَّى الله عليه و سلم: بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ قَالَ: «كعكر الزيت، فإذا قرب إليه سقطت فروة وجهه فيه» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۸/۶). رسول الله (ص) درباره «بماء كالمهل» فرمود: «مانند ته مانده روغن است، پس هرگاه صورتش بدان نزدیک شود، پوست (گندیده شده) چهره‌اش در آن می‌افتد.» در ذیل آیه: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نسا: ۵۴) از رسول الله (ص) روایت نقل شده است. «عن أنس قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه و سلم: «الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳/۳۳۰) انس (رض) می‌گوید: رسول الله (ص) فرمود: «حسد نیکی‌ها را می‌خورد، چنانچه آتش چوب را می‌خورد.»

حسد احساسی است که هنگام کمبود نسبت به ویژگی، دستاورد یا داشته‌های برتر فردی دیگر، روی می‌دهد و فرد حسود می‌خواهد که آن را داشته باشد و یا آنکه می‌خواهد دیگری آن را نداشته باشد. حسد از بدترین بیماری‌های روحی است. حسود هیچگاه از سختی‌های دنیا و آخرت در امان نخواهد بود.

در روایت‌های تشبیهی و تمثیلی، ثعلبی صرفاً نقل روایت نکرده است؛ بلکه پیامبر با استفاده از تصویرسازی ادبی و بلاغی، مفاهیم اخلاقی و الهی را به مخاطب منتقل کرده‌اند. تحلیل بلاغی نشان می‌دهد که این تمثیل‌ها علاوه بر انتقال معنای ظاهری، ارتباط مفهومی میان واقعیت و مصداق الهی را تقویت می‌کنند. نقد ادبی و بلاغی روایت‌ها، نشان می‌دهد که تفسیر صرفاً لفظی نمی‌تواند همه پیام‌های نهفته را منتقل کند و استفاده از سنت نبوی در فهم این تشبیه‌ها ضروری است. ادعای فهم دقیق واژگان قرآن بدون مراجعه به سنت نبوی، ناقص و غیرمعقول است. پیامبر (ص) نه تنها مصادیق

واژه‌ها را تعیین می‌کردند، بلکه با تبیین روش‌های مصداقی، توضیحی و تشبیهی، امکان دریافت دقیق معنا و جهت‌گیری معرفت‌شناختی واژه‌ها را فراهم می‌آوردند. این نکته نشان می‌دهد که سنت پیامبر، پس از قرآن، مهم‌ترین مرجع برای فهم دقیق واژگان است و عقل صرف بدون آن، قادر به درک کامل معنا نیست.

۷. تحلیل کارکردی و روشی شیوه‌های تبیین واژگان در روایات نبوی منقول در تفسیر ثعلبی

طبقه‌بندی روش‌های تبیین واژگان به بیان ظاهری، مصداقی، توصیفی، توضیحی و تشبیهی، هرچند امکان نظم‌بخشی به داده‌های روایی را فراهم می‌سازد، اما در سطحی عمیق‌تر نشان‌دهنده تنوع کارکردی تبیین نبوی و لایه‌های متفاوت مواجهه پیامبر با الفاظ قرآنی است. از این‌رو، بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری این شیوه‌ها می‌تواند افق تحلیلی گسترده‌تری پیش روی پژوهش بگشاید.

۷-۱. چرایی تنوع روش‌های تبیین

بررسی روایات نبوی نقل‌شده در تفسیر ثعلبی نشان می‌دهد که تبیین واژگان در سنت نبوی، صرفاً ناظر به رفع ابهام لغوی نیست، بلکه غالباً کارکردی هدایتی، تربیتی و گاه کاربردی دارد. به بیان دیگر، تنوع روش‌ها را باید در نسبت با تنوع موقعیت‌های ارتباطی و سطح ادراکی مخاطبان صدر اسلام تحلیل کرد.

در مواردی که واژه دارای ابهام معنایی محدود است، بیان ظاهری کفایت می‌کند؛ اما در مواردی که واژه حامل بار ارزشی یا پیام هدایتی است، تبیین به سطح مصداق یا توصیف عملی ارتقا می‌یابد. این انتقال از «معنا» به «مصداق» نشان می‌دهد که تبیین نبوی غالباً از سنخ معناشناسی انتزاعی نیست، بلکه معطوف به عینیت‌بخشی

هنجاری است. از این منظر، تبیین مصداقی را می‌توان کوششی برای تبدیل دلالت مفهومی به الگوی رفتاری دانست.

همچنین، کاربرد شیوه تشبیهی را باید در چارچوب فرهنگ شفاهی و بلاغی جامعه عرب تحلیل کرد؛ فرهنگی که در آن، تقریب مفاهیم از طریق تصویرسازی حسی نقش مؤثری در تثبیت معنا داشته است. از این رو، تنوع شیوه‌های تبیین را نمی‌توان صرفاً تفاوتی صوری تلقی کرد، بلکه این تنوع بازتابی از اقتضائات ارتباطی، بلاغی و هدایتی تفسیر در عصر نزول است.

۲-۷. چگونگی شکل‌گیری الگوهای تبیین

تحلیل ساختاری روایات نشان می‌دهد که شیوه‌های پنج‌گانه یادشده را می‌توان در امتداد سه سطح تبیینی فهم کرد:

سطح زبانی (بیان ظاهری و توضیحی)

سطح مفهومی (ارزشی توصیفی)

سطح عینی - کاربردی (مصداقی و تشبیهی)

این سطوح حاکی از آن است که تبیین نبوی از حرکت خطی «لفظ به معنا» فراتر رفته و به فرآیندی چندلایه تبدیل می‌شود که در آن، معنا در پیوند با کنش اجتماعی و تجربه زیسته تفسیر می‌گردد. چنین ساختاری نشان می‌دهد که تبیین واژه در سنت نبوی، نه روی‌کردی صرفاً لغوی، بلکه روی‌کردی معنا - کارکردی است.

در این چارچوب، می‌توان گفت ثعلبی در نقل این روایات، بیش از آنکه در پی تحلیل مستقل لغوی باشد، به بازنمایی همین ساختار معنا - کارکرد اهتمام دارد. بدین ترتیب، جایگاه روایت در تفسیر او جایگاهی محوری است، نه حاشیه‌ای یا تأییدی.

۷-۳. تمایز روی کرد ثعلبی در قیاس با سنت تفسیری پسین

مقایسه اجمالی با روی کرد محمد بن جریر طبری در جامع البیان نشان می‌دهد که هرچند هر دو مفسر به نقل روایات نبوی اهتمام دارند، اما جایگاه روایت در ساختار تفسیر آنان یکسان نیست. طبری غالباً روایت را در کنار تحلیل لغوی، بررسی اقوال صحابه و تابعین و ارزیابی ترجیحی می‌آورد و از آن در چارچوب استدلال تفسیری بهره می‌گیرد؛ در حالی که در تفسیر ثعلبی، روایت نبوی در موارد متعددی نقش هسته اصلی تبیین واژه را ایفا می‌کند.

از این منظر، می‌توان گفت در تفسیر ثعلبی، روش تبیین واژگان بر محور «بازنمایی سنت روایی» سامان یافته است، در حالی که در تفسیر طبری، این روش در درون نظامی استدلالی و اجتهادی ادغام می‌شود. این تمایز، نشان‌دهنده دو نحوه مواجهه با میراث روایی در سده‌های نخستین تفسیر است: یکی روی کرد نقل‌محور با تمرکز بر حفظ صورت روایت، و دیگری روی کرد تحلیل‌محور با تأکید بر ارزیابی و ترجیح.

۸. جایگاه تفسیر قرآن به قرآن در روایات نبوی

یکی از نکات قابل توجه در روایات مورد بررسی، بهره‌گیری از آیات دیگر قرآن در تبیین واژه است؛ روشی که بعدها به عنوان «تفسیر قرآن به قرآن» در سنت تفسیری صورت‌بندی نظری یافت. در روایات نبوی منقول در تفسیر ثعلبی، این شیوه غالباً در قالب استشهاد توضیحی و برای رفع ابهام مفهومی به کار رفته است، نه به عنوان قاعده‌ای روشمند و نظام‌مند.

در قیاس با روی کرد طبری، می‌توان گفت که آنچه در سطح نبوی به صورت تبیین موردی و توضیحی ظهور یافته، در آثار مفسران پسین به تدریج به اصل روشی تبدیل شده است. بدین‌سان، روایات نبوی مشتمل بر ارجاع درون‌قرآنی را می‌توان

یکی از ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری این روش دانست؛ هرچند در مرحله نبوی، این شیوه هنوز صورت قاعده‌مند و نظری نیافته است.

برآیند تحلیل حاضر نشان می‌دهد که روش‌های تبیین واژگان در روایات نبوی منقول در تفسیر ثعلبی، صرفاً گونه‌هایی صوری از توضیح معنایی نیستند، بلکه بازتاب‌دهنده ساختاری چندلایه و معنا-کارکردی در تفسیر عصر نبوی‌اند. تنوع این شیوه‌ها از یک‌سو نشان‌دهنده اقتضائات ارتباطی و تربیتی محیط نزول و از سوی دیگر بیانگر هسته روایی شکل‌گیری سنت تفسیری است. همچنین مقایسه تطبیقی با تفسیر طبری روشن می‌سازد که جایگاه روایت در تفسیر ثعلبی نقشی محوری‌تر و کم‌واسطه‌تر دارد؛ امری که می‌تواند در تحلیل تطور روش‌های تفسیری در سده‌های نخستین مورد توجه قرار گیرد.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که پیامبر اکرم (ص) در تبیین واژگان قرآن از شیوه‌های متنوع و هدفمند بهره می‌بردند که هر یک با توجه به شرایط مخاطب، سیاق آیه و اهداف تربیتی و معرفتی جامعه صدر اسلام انتخاب می‌شد. این شیوه‌ها شامل توضیح لغوی بر اساس زبان عربی، تفسیر واژه با رجوع به سایر آیات (تفسیر قرآن با قرآن)، تبیین واژگان از منظر کاربرد و استعمال در قرآن، و ارائه مصادیق روشن‌کننده واژه‌ها بود. تحلیل نمونه‌های نقل‌شده در تفسیر ثعلبی نشان می‌دهد که پیامبر نه تنها معنای ظاهر واژه‌ها را بیان می‌کردند، بلکه در مواردی با ارائه مصداق یا تأویل، به مخاطب امکان فهم گستره و ابعاد مفهومی واژه‌ها را می‌دادند؛ مانند تبیین واژه «ظلم» از طریق آیه لقمان و توضیح واژه «القربی» با ذکر مصداق علی و فاطمه و فرزندان‌شان.

با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این روش‌ها در بستر تاریخی و فرهنگی خاص دوره نزول شکل گرفته‌اند و ارتباط تنگاتنگی با فهم زبان و عرف عربی آن عصر دارند. از این منظر، ادعای امکان بازسازی کامل روش فهم قرآن در دوره نخستین بدون در نظر گرفتن این زمینه تاریخی محدود است. پژوهش حاضر تأکید می‌کند که هر گونه تحلیل روش‌شناختی واژه‌محور در سنت نبوی باید هم به فرآیند انتخاب روش‌ها، اهداف و پیش‌فرض‌های پیامبر توجه داشته باشد و هم محدودیت‌ها و بستر زبانی و فرهنگی را لحاظ کند.

به این ترتیب، مطالعه تبیین‌های نبوی در حوزه واژگان نشان می‌دهد که پیامبر از فرآیندی نظام‌مند و معنادار برای رفع ابهام و هدایت فهم مخاطبان بهره برده‌اند، اما این نظام‌شناسی وابسته به بافت زمان و فرهنگ مخاطب است و نمی‌توان آن را به‌طور مطلق به دوره‌های بعدی تعمیم داد. علاوه بر این، پژوهش روشن می‌سازد که فهم قرآن و سنت به‌طور متقابل مکمل یکدیگرند؛ فهم واژه‌ها بدون سنت دشوار است، اما فهم سنت نیز بدون قرآن و بافت زبانی - فرهنگی آن غیرممکن است، زیرا پیامبر در شیوه‌های تبیین خود از هر دو عنصر بهره گرفته‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن‌ناقی‌ا. عبدالله بن محمد. (۱۳۸۷ق). *الجمان فی تشبیحات القرآن*. تحقیق عدنان محمد زرزور، کویت: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.

بابایی. علی‌اکبر. (۱۴۲۳ق). روش‌های تفسیر قرآن. تهران: انتشارات سمت.

ثعلبی. ابی‌اسحاق احمد ابراهیم نیشابوری. (۱۴۲۲ق). *تفسیر الکشف‌البیان*. بیروت: دار الاحیاء للتراث.

روش‌شناسی تبیین واژگان قرآن توسط رسول الله (ص) در تفسیر ثعلبی / زینی‌ملک‌آباد ۳۷۵

خاکپور. حسین. (۱۳۹۰ش). «تبیین واژگان آیات قرآن توسط عترت در روایات تفسیری اهل

سنت»، سفینه، شماره ۳۳

دهقان. سمیرا. (۱۳۹۴). شیوه تبیین واژه‌گان قرآن توسط امام علی علیه السلام در مصادر

اهل سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

راغب‌اصفهانی. حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالشامیه.

زرکشی. بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۴۰۷ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالفکر.

شاکر. محمدکاظم. (۱۴۱۸ق). روش‌های تأویل قرآن. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

طبری. ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع‌البیان فی تأویل القرآن* (تفسیر طبری).

بیروت: دارالمعرفة.

قرشی. علی‌اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میرباقری، سیدمحسن. (۱۴۲۲ق). *ظاهر قرآن و باطن قرآن*. تهران: انتشارات رایزن.

هاشمی. سیداحمد. (۱۳۸۰ش) *جواهر البلاغه*. قم: انتشارات حقوق اسلامی.

نرم‌افزار جامع التفاسیر

نرم‌افزار جامع الأحادیث

Bibliography

Bābāyī, 'A. A. (1423 AH). *Ravash-hā-yi tafsīr al-Qur'ān*. Intishārāt-i SAMT. [In Persian].

Dehqān, S. (1394 SH). *Shīwah-yi tabyīn-i vāḥigān-i Qur'ān tavast-i Imām 'Alī ('alayhi al-salām) dar maṣādir-i Ahl al-Sunnah* [Master's thesis, University of Sīstān wa Balūchestān]. [In Persian].

Hāshimī, S. A. (1380 SH). *Jawāhir al-balāghah* (2nd ed.). Intishārāt Ḥuqūq-i Islāmī. [In Arabic].

Ibn Nāḥiyā, 'A. M. (1387 AH). *Al-jumān fī tashbīhāt al-Qur'ān* ('A. M. Zarzūr, Ed.). Wizārat al-Awqāf wa-l-Shu'ūn al-Islāmiyya. [In Arabic].

Khākpūr, Ḥ. (1390 SH). Tabyīn-i vāḥigān-i āyāt-i Qur'ān tavast-i 'itrah dar riwāyāt-i tafsīrī Ahl al-Sunnah. *Safīnah*, 33. [In Persian].

Khākpūr, Ḥ., & 'Ābidi, A. (1390 SH). Gūnahā va ravash-hā-yi tafsīr-i Imām 'Alī ('alayhi al-salām) dar riwāyāt-i tafsīrī Ahl al-Sunnah. *Pazhūhishnāmeh-yi Alavī*, 1. [In Arabic].

- Mīr Bāqerī, S. M. (1422 AH). *Zāhir al-Qur'ān wa bāṭin al-Qur'ān*. Intishārāt Rāyzen. [In Persian].
- Qurashī, 'A. A. (1371 SH). *Qāmūs al-Qur'ān*. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Persian].
- Rāghib Isfahānī, Ḥ. M. (1412 AH). *Al-mufradāt fī al-fāz al-Qur'ān*. Dār al-Shāmiyya. [In Arabic].
- Shākir, M. K. (n.d.). *Ravash-hā-yi ta'wīl al-Qur'ān*. Daftar-i Tablīghāt. [In Persian].
- Ṭabarī, A. J. M. J. (1412 AH). *Jāmi' al-bayān fī ta'wīl al-Qur'ān (Tafsīr al-Ṭabarī)*. Dār al-Ma'rifah. [In Arabic].
- Tha'labī, A. I. A. I. (1423 AH). *Tafsīr al-kashf wa-l-bayān*. Dār al-Ahyā' li-l-Turāth. [In Arabic].
- Zarkashī, B. D. M. A. (1407 AH). *Al-burhān fī 'ulūm al-Qur'ān*. Dār al-Fikr. [In Arabic].